

ای یاران الهی عبدالبهاء شب و روز بیاد شما و بذکر شما مشغول زیرا یاران

الهی ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۸۲۰

حیفا

۱۴/۱۱/۱۹۲۱

۱۹

امریک

عموم احبای الهی علیهم بهاء الله الأبهی

ای یاران الهی عبدالبهاء شب و روز بیاد شما و بذکر شما مشغول زیرا یاران الهی در نزد عبدالبهاء عزیزند و در سحر گاهان تضرع بملکوت الله مینمایم و شما را استفاضه از نفثات روح القدس میطلبم تا شمعهای روشن شوید و بنور هدایت بدرخشید و ظلمت ضلالت را زائل نمائید مطمئن باشید تأییدات ملکوت ابهی پی در پی میرسد شجره حیات از بهار الهی و ریش ابر آسمانی و حرارت شمس حقیقت تازه بنای نشو و نما گذاشته عنقریب گل و شکوفه نماید و برگ و بار بار آرد و بر شرق و غرب سایه اندازد و این شجره حیات کتاب میثاق است ولی در این ایام در امریکا بادهای شدیدی بر سراج میثاق احاطه نموده تا این سراج روشن را خاموش کند و این شجره حیات را از ریشه براندازد بعضی نفوس ضعیفه نوهوس از اهل غرض و بی خبر از زلزله بغض و عداوت متزلزل شده و همت را گماشتند که عهد و میثاق الهی را محو نمایند و آب صافی را گل آلود کنند تا در این گل آلودی ماهی صید نمایند بر مرکز میثاق طغیان نموده اند بعینه مثل بیانیه که بر جمال مبارک هجوم نمودند هر دمی افترائی زدند و در هر روزی بهانه‌ئی کنند و خفياً القای شبهات نمایند تا بکلی میثاق بهاء الله در امریکا محو و نابود گردد

ای یاران الهی بیدار باشید بیدار باشید هشیار باشید هشیار باشید حضرت باب عهد و میثاق جمال مبارک را از جمیع اهل بیان گرفت که در یوم ظهور من یظهره الله و سطوع انوار بهاء الله مؤمن و موقن شوند و بخدمت پردازند و اعلاء

1. رقم ۹ بر طبق حساب ابجد معادل عددی کلمه "بهاء" است.



ORIGINAL

کلمه الله نمایند بعد اهل بیان چون میرزا یحیی و بسیاری اشخاص بر ضد جمال مبارک قیام نمودند و انواع مفتریات برستند و بنفوس القای شبهات کردند و از کتب حضرت باب که جمیع ذکر من ینظهره الله است استدلال بر بطلان بهاء الله مینمودند هر روز رساله‌ئی بر ضد بهاء الله نوشته انتشار میدادند و مردم را بتشویش و اضطراب میانداختند و بنهایت اذیت و ظلم بر حضرت بهاء الله قیام نمودند و خود را بر عهد حضرت باب ثابت می‌شمرند تا آنکه انوار عهد حضرت باب آفاق را روشن کرد و جمیع نفوس مؤمنین مخلصین از ظلمات نقض اهل بیان نجات یافتند و مانند شمع روشن برافروختند

و جمال مبارک در جمیع الواح و رسائل احبای صادق ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد حضرت باب منع فرمودند که نفسی نزدیکی بآنان نکنند زیرا نفسشان مانند سمّ ثعبان میماند فوراً هلاک میکند از جمله در کلمات مکنون میفرماید مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مراقت اشار دست و دل هر دو بردار و خطاب باحباباً میفرماید که معلوم آن جناب بوده که زود است شیطان در قیص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبای جمال سبحان را بوساوس نفسیه و خطوات شیطانیه از صراط عزّ مستقیمه منحرف سازد و از شاطی قدس سلطان احدیه محروم نماید اینست از خبرهای مستوره‌ئی که اصفیا را بآن آگاه فرمودیم که مبدا بمجالست آن هیاکل بغضیه از مقام محمود ممنوع شوند پس بر جمیع احبای الله لازم که از هر نفسی که رائحه بغضا از جمال عزّ ابهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگرچه بکل آیات ناطق شود و بکل کتب تمسک جوید الی ان قال عزّ اسمه پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبدا بدام تزویر و حیلہ گرفتار آیند اینست نصیح قلم تقدیر و در خطاب دیگر میفرماید پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سمّ سرایت کننده است و در خطاب دیگر میفرماید ای کاظم چشم از عالمیان پیوش و ماء حیوان عرفان را از غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیه بر مراصد صراط عزّ احدیه جالسند و ناس را بکلّ حیل و مکر منع مینمایند و زود است که اعراض اهل بیان را از مظهر رحمان مشاهده نمائی و در خطاب دیگر میفرماید بسیار در حفظ نفوس خود سعی نمایند چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطریق او برآیند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود واگذارند و در خطاب دیگر میفرماید هر نفسی که از او غلّ غلام استشمام نمائید از او اعراض کنید اگرچه بزهد اولین و آخرین ظاهر شود و یا بعبادت ثقلین قیام نماید و هم چنین در خطابی دیگر میفرماید ای مهدی جمیع باین کلمات مطلع شده از مظاهر بیخینیّه و مطالع نمرودیّه و مشارق فرعونیه و منابع طاغوتیه و مغارب جبّتیّه اعراض نمایند و هم چنین میفرماید قل ان یا احبائی ثمّ اصفیائی اسمعوا نداء هذا الحییب المسجون فی هذا السّجن الکبری ان وجدتم من احد اقلّ من ان یحصی روائح الاعراض فأعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه تا آنکه میفرماید لآتهم مظاهر الشّیطان و در خطابی دیگر میفرماید و بمنظر اکبر ناظر باشید عنقریب روائح منتنه انفس خبیثه بر آن دیار مرور نماید انشاء الله در آن ایام محفوظ مانید در انجیل متی در فصل ثامن عشر در آیه ششم حضرت مسیح میفرماید و من اعثر احد هؤلاء الصّغار المؤمنین به خیر له ان یعلق فی عنقه حجر الرّیحی و یغرق فی لجة البحر ویل للعالم من العثرات فلا بدّ ان تأتی العثرات و لکن ویل لذلك الانسان الذی به تأتی العثره فان اعثرک یدک او رجلک فاقطعها و القها عنک خیر لک ان تدخل الحیاة اعرج او اقطع من ان تلقی فی النار الأبديّه و لک یدان او رجلان و ان اعثرک عینک فاقطعها فألقها عنک و در اصحاح حادی و العشرون در انجیل متی در آیه ۳۸ میفرماید و اما الکرامون لما رأوا الابن قالوا فی ما بینهم هذا هو الوارث هلموا نقتله و نأخذ میراثه و اخذوه و اخرجوه خارج الکرّم و قتلوه و هم چنین فی الاصحاح الثانی و العشرون در آیه چهاردهم میفرماید

لأنّ كثيرين يدعون و قليلين ينتخبون و در آثار مبارک الواح حضرت بهاءالله البتّه در هزار موقع مذکور و نفرین بر ناقضین میثاق مینمایند بعضی از آن کلمات آسمانی ذکر میشود

باری جمیع احبّای امریکا میدانند که مؤسس این فساد یعنی نقض میثاق نفوسی هستند که جمیع احبّای الهی مقاصد ایشان را میدانند سبحانالله با وجود این فریب آنان را میخورند الحمد لله شما بنهایت وضوح میدانید حضرت مسیح بنهایت محبت و مهربانی بود ولی نفوسی بودند مانند یهودای استخریوطی باعمال خودشان از مسیح جدا شدند پس چه ذنبی بر مسیح بود حال ناقضین عنوانی کردند که عبدالبهاء استبداد دارد و نفوسی را اخراج میکند و مانند پاپا محروم مینماید ابداً چنین نیست هر نفسی که جدا شد باعمال و دسایس و وساوس خویش خود را محروم نمود اگر این اعتراض بر عبدالبهاء وارد باید اعتراض بر جمال مبارک نمایند که بصراحت بحکم قاطع احبّا را از معاشرت و الفت با ناقضین از اهل بیان منع فرمود

مناجات

ای ربّ میثاق ای نیر آفاق عبدالبهای مظلوم در دست نفوسی بظاهر اغنام و بحقیقت گرگان درنده گرفتار گشته هر ظلمی مجرا میدارند و بنیان میثاق را ویران مینمایند و ادّعی بهائی میکنند تیشه بر ریشه شجره میثاق میزنند و خود را مظلوم میشمردند نظیر بیانها که میثاق حضرت باب را شکستند و از شش جهت تیر طعن و مفتریات بر هیکل مبارکت زدند و با این ظلم عظیم خود را مظلوم میشمردند حال این عبد آستان نیز گرفتار ظالمان گشته و در هر ساعتی حیله‌ئی و مکرّی مینمایند و افتراء میزنند یابهاء الأبهی حصن حصین امرت را از این دزدان محافظه نما و سراجهای ملکوت را از این بادهای مخالف مصون بدار یابهاء الأبهی عبدالبهاء دمی آرام نگرفت تا آنکه امرت را بلند نمود و علم ملکوت ابهی در جمیع آفاق موج زد حال نفوسی چند بدسایس و وساوسی قیام کرده‌اند که این علم مبین در امریک سرنگون گردد ولی امید من بتأییدات تو است مرا فرید و وحید و مظلوم مگذار چنانکه شفهاً و خطاً وعده حتمی فرمودی که این آهوی صحرای محبت را از هجوم کلاب بغض و عدوان حفظ میفرمائی و این برّه مظلومت را از چنگ و دندان ذئاب کاسره نجات میبخشی منتظر ظهور عنایات و تحقّق وعد محتوم تو هستم توئی حافظ حقیقی و توئی ربّ الميثاق پس این سراجی را که تو افروختی از این اریاح شدیده حفظ فرما یابهاء الأبهی از جهان و جهانیان گذشتم و از بی‌وفایان دل شکسته گشتم و آزرده شده‌ام و در قفس این جهان چون مرغ هراسان بال و پر میزنم و هر روز آرزوی پرواز بملکوت میکم یابهاء الأبهی مرا جام فدا بنوشان و نجات بخش و از این بلایا و محن و صدمات و مشقت آزاد کن توئی معین و نصیر و ظهیر و دست گیر

باری بعضی از آثار و مناجات و آیات جمال مبارک که نهی از معاشرت ناقضانست درج میشود در مناجات فارسی میفرماید این عبد را حفظ نما از شبهات نفوسی که اعراض نموده‌اند و از دریای علت ممنوعند الهی الهی احفظ عبدک بجدک و کرمک من شرّ اعدائک الذین نقضوا عهدک و میثاقک و در جای دیگر میفرماید ای پروردگار من و مقصود جان من بید قدرت این ضعیف را از نعیق ناعقین حفظ نما (ناعق گوساله بنی اسرائیلست) و هم چنین میفرماید مبغوض مرا محبوب خود دانسته‌اید و دشمن مرا دوست خود گرفته‌اید و هم چنین میفرماید صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزداید من اراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع احبائه و من اراد ان یسمع کلام الله فلیسمع کلمات اصفیائه و هم چنین میفرماید با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جان را بنار حسابان تبدیل نماید اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده‌اند و هم چنین میفرماید رأس

الذلة هو الخروج عن ظل الرحمن و الدخول في ظل الشيطان و هم چنین میفرمایند ای عباد نیست در این قلب مگر تجلیات انوار صبح لقا و تکلم نمینماید مگر بر حق خالص از پروردگار شما پس متابعت نفس نمائید و عهد الله را نشکنید و نقض میثاق مکنید باستقامت تمام بدل و قلب و زبان باو توجه نمائید و نباشید از بیخردان و هم چنین میفرمایند انتم نسیتم عهد الله و نقضتم میثاقه و هم چنین میفرماید ان جاءكم احد بكتاب الفجار دعوه ورائكم من الناس من نقض الميثاق و منهم من اتبع ما امر من لدن علم حكيم ليس ضرى سجنى و بلائى و ما يرد على من طغاة عبادى بل عمل الذين ينسبون انفسهم الى هذا المظلوم و يرتكبون ما تضيع به حرمة الله بين خلقه الا انهم من المفسدين و هم چنین از لسان ناقضین میفرماید قد جعلت المنابر لذكرك و ارتفاع كلمتك و اظهار امرک و انى ارتقيت عليها لاعلاء نقض عهدك و ميثاقك و هم چنین میفرماید خذوا ما امرتم به و لا تتبعوا الذين نقضوا عهد الله و ميثاقه الا انهم من اهل الضلال و هم چنین میفرماید ان الذين نكثوا عهد الله فى اوامره و نكصوا على اعقابهم اولئك من اهل الضلال لدى الغنى المتعال و هم چنین میفرماید ان الذين وفوا بميثاق الله اولئك من اعلى الخلق لدى الحق المتعال ان الذين غفلوا اولئك من اهل النار عند ربك العزيز المختار و هم چنین میفرماید طوبى لعبد آمن و لامة آمنت و ويل للمشركين الذين نقضوا عهد الله و ميثاقه و اعرضوا عن صراطى المستقيم و هم چنین میفرماید اسألك ان لا تخيبنى عمّا عندك و ما قدرته لخيرتك الذين ما نقضوا عهدك و ميثاقك قل موتوا بغيظكم قد اتى من ارتعدت به فرائص العالم و زلت به الأقدام الا الذين ما نقضوا عهدهم و اتبعوا ما انزله الله فى الكتاب و هم چنین میفرماید ان الذى تزى برداء الوفاء بين الأرض و السماء يصلّى عليه الملائة الأعلى و الذى نقض العهد يلعنه الملك و الملكوت و هم چنین میفرماید خذ ما نزل لك بقوة تعجز عنها ايدى الكفار الذين نقضوا ميثاق الله و عهده و اعرضوا عن الوجه و هم چنین میفرماید يا يحيى قد اتى الكتاب خذه بقوة من لدنا و لا تتبع الذين نقضوا ميثاق الله و عهده و كفروا بما نزل من لدن مقتدر علام و هم چنین میفرماید قد اصبحت اليوم يا الهى فى جوار رحمتك الكبرى و اخذت القلم لأذكرك بحولك بذكر يكون بمنزلة النور للأحرار و بمثابة النار للأشرار الذين نقضوا ميثاقك و اعرضوا عن آياتك و نبذوا عن ورائهم كوثر الحيوان الذى ظهر بأمرک و جرى من اصبع ارادتك و هم چنین در توقيعی به عبدالبهاء میفرماید يا غصنى الأعظم قد حضر لدى المظلوم كتابك و سمعنا ما ناجيت به الله رب العالمين انا جعلناك حرزاً للعالمين و حفظاً لمن فى السموات و الأرضين و حصناً لمن آمن بالله الفرد الخبير نسال الله بأن يحفظهم بك و يغنيهم بك و يرزقهم بك و يلهمك ما يكون مطلع الغنى لأهل الانشاء و بحر الكرم لمن فى العالم و مشرق الفضل على الأمم أنه هو المقتدر العليم الحكيم و نسأله بأن يسقى بك الأرض و ما عليها لتنتب منها كلاً الحكمة و البيان و سنبلات العلم و العرفان انه ولى من والاه و معين من ناجاه لا اله الا هو العزيز الحميد

این لوح مرقوم نگردهد زیرا بعضی غلو خواهند نمود

و هم چنین در توقيعی به عبدالبهاء میفرماید يا الهى هذا غصن اشعب من دوحه فردائيتك و سدرة وحدائيتك تراه يا الهى ناظراً اليك و متمسكاً بجبل الطافك فاحفظه فى جوار رحمتك انت تعلم يا الهى انى ما اریده الا بما اردته و ما اخترته الا بما اصطفيته فانصره بجنود ارضك و سمائك و انصر يا الهى من نصره ثم اختر من اختاره و ايد من اقبل اليه ثم اخذل من انكره و لم يرده اى رب ترى حين الوحي يتحرك قلبى و ترتعش اركانى اسألك بولهى فى حبك و شوقى فى اظهار امرک بأن تقدر له و لحبيبه ما قدرته لسفرائك و امناء و حيك انك انت الله المقتدر القدير تالله يا قوم يبكى عينى و عين على فى رفيق الأعلى و يضح قلبى و قلب محمد فى سرادق الأبهى و يصيح فؤادى و افئدة المرسلين عند اولى النهى ان انتم من الناظرين لم يكن حزنى من نفسى بل على الذى يأتى من بعدى فى ظلل الأمر بسطان لائح مبين لأن هؤلاء لا يرضون

بظهوره و ینکرون آیاته و یجحدون بسلطانه و یحاریون بنفسه و یخادعون فی امره کما فعلوا بنفسه فی تلك الأيام و کنتم من الشّاهدین و هم چنین در توقیعی به عبدالبهاء میفرمایند یا غصن اعظم لعمر الله نوازلك کدرتنی ولكن الله یشفیک و یحفظک و هو خیر کریم و احسن معین و البهَاء علیک و علی من یخدمک و یطوف حولک و الویل و العذاب لمن یخالفک و یؤذیک طوبی لمن والاک و السقر لمن عاداک و هم چنین میفرمایند هل یمکن بعد اشراق شمس وصیبتک من افق اکبر الواحک تزلّ قدم احد عن صراطک المستقیم قلنا یا قلبی الأعلى ینبغی لک ان تشتغل بما امرت من لدی الله العلیّ العظیم لا تسأل عما ینذوب به قلبک و قلوب اهل الفردوس الذین طافوا حول امری البدیع لا ینبغی لک بأن تطّلع علی ما سترناه عنک ان ربک هو السّتر العلیم توجه بوجهک الأنور الی المنظر الأكبر و قل یا الهی الرحمن زین سماء البیان بأنجم الاستقامة و الأمانة و الصّدق أنّک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت المدبّر الکریم

باری از این بیانات مبارک و بیانات حضرت مسیح واضح و ثابت و محقق شد که انسان باید با نفوسی که بر عهد و میثاق ثابتند معاشرت نماید و با ابرار الفت کند زیرا قرین سوء سبب میشود که سوء اخلاق سرایت مینماید نظیر مرض جذام که ممکن نیست انسان با مجذوم الفت و معاشرت نماید و مرض جذام سرایت نکند این بجهت حفظ و صیانت است این نصّ انجیل را ملاحظه کنید که برادران حضرت مسیح آمدند نزد حضرت مسیح عرض کردند که اینها برادران شما هستند فرمودند که برادران من نفوسی هستند که مؤمن بخدا هستند و قبول نمودند که با برادران معاشرت و مجالست نمایند بهم چنین قرّة العین که معروف آفاق است وقتی که مؤمن بخدا شد و منجذب بنفحات الهی گشت از دو پسر بزرگ خویش بیزار شد زیرا مؤمن نشدند و دیگر ابداً با آنها ملاقات نکرد و حال آنکه دو اولاد رشید او بودند و میگفت که احبّای الهی جمیع پسران من هستند ولی این دو ابداً پسر من نیستند و بیزارم ملاحظه نمائید که باغبان الهی شاخه خشک و یا ضعیف را از شجره طیبه قطع مینماید و شاخ دیگر را باین شجره پیوند مینماید هم فصل میکند و هم وصل میکند اینست که حضرت مسیح میفرماید که از جمیع آفاق میآیند و داخل در ملکوت میشوند و ابناء ملکوت از ملکوت خارج میشوند نوّه نوح کنعان در نزد نوح مردود بود و دیگران مقبول برادران جمال مبارک از جمال مبارک منفصل شدند و ابداً جمال مبارک با آنها ملاقات نمیفرمودند و هذا فراق بینی و بینکم میفرمودند جمیع اینها نه این بود که جمال مبارک استبداد مجرا میداشتند ولی اینها باعمال و افعال و اقوال خود از الطاف و عنایات مبارک محروم ماندند حضرت مسیح در قضیه یهودای استخریوطی و برادران خویش استبداد مجرا نداشتند ولی آنان خود را محروم نمودند باری مقصود اینست که عبدالبهاء بی نهایت مهربانست ولی مرض مرض جذام است چه کند همچنان که در امراض جسمانی باید معاشرت و سرایت را منع کرد و قوانین حفظ الصّحة را مجرا داشت زیرا امراض ساریه جسمانی بنیان بشر را براندازد بهم چنین باید نفوس مبارکه را از روایح کریمه و امراض مهلکه روحانی محافظه و صیانت کرد و الا نقض نظیر مرض طاعون سرایت میکند و کل هلاک میشوند در بدایت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود بعد کم کم سرایت کرد و این بسبب الفت و معاشرت واقع شد